

ORIGINAL ARTICLE

Historical developments of Yahudiya in Isfahan: Passage from ancient times to Islamic era

Leila Gholamrezaie¹, AmirHossein Hatami^{2*}

¹ M.Sc. Student in the history of Islamic Iran, Faculty of Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

² Associate Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Correspondence

Amirhossein Hatami

Email: hatami@hum.ikiu.ac.ir

ABSTRACT

Since groups of Jewish immigrants or exiles resided in some Iranian historical cities before and after Islam, these cities or a part of them are called Yahoudiya. These Jews never integrated into host communities due to their strong internal ties, efforts to maintain independence, and segregation from other ethnic groups. They settled together in a separate - but close - part of the local population and formed the original core of Yahudiya. Among these, the most important and famous was the Yahudiya of Isfahan. They migrated to this region centuries before the arrival of Islam and founded Yahudiya alongside Jey (the core of later Isfahan). In the present article, a descriptive-analytical method has been used to analyze the historical developments of Yahudiya in Isfahan and its passage from ancient times to the Islamic era. The findings revealed that the Yahudiya of Isfahan, despite all the historical, political, social, and jurisprudential limitations, after the arrival of Islam in this region, not only did not lose its importance and credibility, but also reached the peak of its development and progress from the fourth century AH onwards.

KEYWORDS

Yahudiya, Isfahan, local history .

How to cite

Gholamrezaie, L. & Hatami, A.M. (2023). Historical developments of Yahudiya in Isfahan: Passage from ancient times to Islamic era. *Iran Local Histories*, 11(2), 97-108.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشر به علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

تحولات تاریخی یهودیه‌ی اصفهان: گذار از عصر باستان به دوره‌ی اسلامی

لیلا غلامرضایی^۱، امیرحسین حاتمی^{۲*}

چکیده

«یهودیه» نامی است که به دلیل اسکان گروه‌هایی از یهودیان مهاجر یا تبعیدشده در برخی شهرهای تاریخی ایران، قبل و بعد از اسلام، به این شهرها یا قسمتی از آنها اطلاق شده است. این یهودیان به سبب پیوندهای مستحکم درونی و تلاش برای حفظ استقلال و جدایی از اقوام دیگر، هرگز در جوامع میزبان ادغام نشدند و به شکلی هم‌بسته در قسمتی جدا - اما نزدیک - از محل استقرار مردم بومی، اقامت گزیدند و به این ترتیب هسته‌ی اولیه‌ی یهودیه‌ها را شکل دادند. مهم‌ترین و نامدارترین آنها، یهودیه‌ی اصفهان بود. آنها قرن‌ها پیش از ورود اسلام، به این منطقه مهاجرت کردند و در کنار هسته‌ی اصلی اصفهان بعدی که در آن زمان به جی موسوم بود، یهودیه را بنیان گذارند. در مقاله‌ی حاضر تلاش شده تا با روش توصیفی - تحلیلی تحولات تاریخی یهودیه اصفهان و گذار آن از عصر باستان به دوره‌ی اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بنا بر یافته‌های پژوهش، یهودیه‌ی اصفهان به‌رغم همه‌ی محدودیت‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فقهی، پس از ورود اسلام به این منطقه، نه تنها اهمیت و اعتبار خود را از دست نداد، بلکه از سده‌ی چهارم به بعد به اوج توسعه و ترقی رسید.

واژه‌های کلیدی

یهودیه، اصفهان، تاریخ محلی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
^۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول:

امیرحسین حاتمی

رایانامه: hatami@hum.ikiu.ac.ir

استناد به این مقاله:

غلامرضایی، لیلا و حاتمی، امیرحسین (۱۴۰۲). تحولات تاریخی یهودیه‌ی اصفهان: گذار از عصر باستان به دوره‌ی اسلامی. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۹۷-۱۰۸.

مقدمه

محدودیت‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فقهی، به‌ویژه از سده چهارم هجری مقارن دوره استیلای امرای آل بویه در این شهر، به شکل روزافزونی رو به توسعه نهاد به نحوی که حتی جامعه میزبان خود یعنی جی را تحت الشعاع قرار داد.

در باب تحولات تاریخی یهودیه اصفهان، برخی پژوهش‌ها صورت گرفته که ارتباط مستقیمی با این مقاله ندارد. برای نمونه شجاعی اصفهانی (۱۳۹۳) عمدتاً به مکان‌یابی و حدود جغرافیایی یهودیه توجه نموده است. مقاله ذیلایی (۱۳۹۰) نیز اختصاصی به یهودیان یهودیه ندارد و صرفاً به ارائه آمار جمعیتی پرداخته است. همچنین شیرانی (۱۳۸۱)، وضعیت خود یهودیان اصفهان را بررسی نموده و به تحولات یهودیه توجهی نشان نداده است. با این وصف، تاکنون پژوهش مستقل و جدی درخصوص تحولات تاریخی یهودیه صورت نگرفته است.

زمینه تاریخی: پیدایش یهودیه

رویداد تبعید یهودیان از فلسطین به بابل در ابتدای سده ششم پیش از میلاد، یکی از نقاط عطف در تاریخ پیروان این دین ابراهیمی بوده است. در واقع این تبعید تجربه‌ای تازه برای یهودیان رقم زد که به شکل ممتد در خلال سده‌های پس از تبعید به کار آمد. این تجربه در کنار همه معضلاتی که یهودیان با آن روبرو شدند، البته نتایج مثبتی برای آنان به همراه داشت: «یهودیان خارج از وطن، همچون ملتی درون ملت دیگر، بدون هویت حکومتی سازمان می‌یابند. عبری‌ها، غافلگیرانه درمی‌یابند که در تبعید بسیار بهتر از درون قلمرو می‌توانند نظام داشته باشند و یهودیان در جلای وطن بهتر از سامره به سر می‌برند: آمیخته شدن با دیگران و بی‌آنکه بر سرزمینی حاکمیت داشته باشند. آنان خود را در این حال آزادتر می‌بینند.» (آتالی: ۱۳۹۱: ۶۸)

این آزادی البته مانع همستگی ذاتی یهودیان نشد. در جریان تبعید گرچه برخی خانواده‌های یهودی هویت محلی اختیار کردند و با مردم منطقه همگون شدند، اما اکثریت آنان از همگونی کامل با دیگران دوری جستند: تعطیلی روز شنبه و دیگر آداب مانند ممنوعیت‌های غذایی، آنان را از دیگران متمایز کرد. آنها مفاهیم عمده‌ای که طی سده‌ها دوری از وطن می‌بایست با آن زندگی کنند و بقا یابند را تعیین کردند؛ اطاعت نمودن از قوانین محلی، به‌صورت گروهی ماندن، به جز خودشان به دیگر اعتماد نکردن، انباشت دارایی و اموال، انتقال فرهنگ و قانع نمودن غیریهودیانی که با یهودیان ازدواج می‌کردند به پذیرفتن شریعت موسی. در این

تاریخ پرحادثه و پرفراز و نشیب قوم یهود در سراسر جهان، همواره با مهاجرت و تبعید همراه بوده است. این مهاجرت و تبعید اغلب ناخواسته و اجباری هرچند، معمولاً تأثیرات منفی و مخربی بر نشو و نماي قوم یهود به‌مثابه یک کل واحد داشته است، اما از یک جنبه به توسعه و بالندگی جوامع یهودی کمک نموده است. در واقع این مهاجرت‌ها سبب شد یهودیان پراکندگی جغرافیایی (Diaspora)^۱ داشته باشند و همین پراکندگی خود عاملی شد برای رشد، توسعه، تعمیق و تثبیت تجارت و بازرگانی در جوامع یهودی به‌مثابه مهم‌ترین پایه حیات آنان. مهاجرت‌های یهودیان به داخل سرزمین‌های تاریخی ایران از سواحل دجله و فرات تا آن سوی جیحون و سیحون نیز سبب تشکیل کانون‌های شهری و روستایی یهودی‌نشین گردید که بعدها عنوان «یهودیه» به خود گرفتند. گرچه چرایی و چگونگی و حتی زمان دقیق این مهاجرت‌ها و شکل‌گیری هسته اولیه این یهودیه‌ها مشخص نیست، اما در نفس وجود یهودیه‌ها نمی‌توان تردید نمود. با این حال به‌رغم وجود یهودیه‌های متعدد، در منابع جغرافیایی اسلامی این عنوان عمدتاً برای اشاره به دو جا اطلاق شده است. یکی یهودیه اصفهان و دیگری یهودیه جوزجانان در خراسان بزرگ. با این حال، از یک‌سو به‌دلیل تغییر نامی که بعدها در یهودیه جوزجانان صورت گرفت، و از سوی دیگر موفقیت یهودیان اصفهان در توسعه روزافزون یهودیه به‌ویژه پس از ورود اسلام به این ناحیه، به‌تدریج و طی سده‌ای متأخرتر، نام یهودیه عمدتاً مختص و منحصر به یهودیه اصفهان شد.

با این وصف پژوهش حاضر که به تحولات تاریخی یهودیه اصفهان و گذار آن از دوره باستان به عصر اسلامی پرداخته است، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که فتح یهودیه توسط اعراب مسلمان و ورود اسلام به این منطقه چه تأثیر مهمی بر حیات یهودیه داشت؟ پیش‌فرض اصلی تحقیق نیز بر آن استوار است که گذار یهودیه از دوره باستان به عصر اسلامی نه تنها مانعی در توسعه آن ایجاد نکرد، بلکه یهودیه به‌رغم همه

۱. هرچند نمی‌توان برای دیاسپورا مانند بسیاری از مفاهیم دیگر، معنایی واحد در نظر گرفت اما به‌طور کلی می‌توان آن را اجتماعی ملی، قومیتی یا مذهبی دور از سرزمین مادری و پراکنده در چندین سرزمین بیگانه و حتی به معنای یک گروه فرهنگی غیربومی ساکن در یک کشور بیگانه در نظر گرفت. برای بحث بیشتر بنگرید به: Rios, M., & Adiv, N. (2010). Geographies of Diaspora: A Review. [S.L]. Davis, CA: UC Davis Center for Regional Change
Virinder S. Karla, Riminder Kaur & Hohn Hutnyk. (2005). Diaspora & Hybridity. London: Sage Publication Ltd

کرده است (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۸۴). لسترنج برپایه منابع جغرافیایی توضیح می‌دهد که شهر میمنه که سر راه بلخ به طالقان قرار دارد همان یهودیه جوزجانان است و غالباً مرکز جوزجانان شمرده می‌شد. اولین محلی که در زمان بخت نصر^۱ یهودیان رانده شده از بیت‌المقدس در آنجا ساکن شدند این شهر بود و بعدها مسلمانان این منطقه چون از کلمه یهودیه و یهودان خوششان نمی‌آمد نام شهر را به میمنه تبدیل کردند. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۵۰) در واقع به دلیل همین تغییر و تبدل نام است که نام یهودیه جوزجانان در منابع متأخر جغرافیایی و تاریخی کمتر به چشم خورده و نام یهودیه منحصرأً به یهودیه اصفهان اختصاص یافته است.

اما تاریخ پیدایش یهودیه اصفهان، تا اندازه زیادی به تاریخ پیدایش جی و اصفهان پیوند خورده است. در واقع یهودیه، جی و اصفهان را می‌بایست در چارچوب یک تاریخ مشترک مورد بررسی قرار داد. این تاریخ مشترک به‌ویژه در دوره باستانی نظیر بسیاری دیگر از شهرها از دوره اساطیر آغاز می‌شود. به گزارش جابری انصاری «اسپهان از اقدم بلاد است، نخستش به نام جی می‌خواندند و گویا این نسبت به پادشاهان جیان است که قرن‌ها پیش از کیان و پیشدادیان شاهی ایران داشتند و سرسلسله جیان، جی افرام بن آزاد است که پیمبرش دانسته‌اند و بعد از مهادیان در ایران سلطان شده و جی به معنی پاک است. تواریخ به اختلاف است: بعضی نخست بانی را طهمورث گویند که چهار دیه دردشت و جوباره، کوشک و کران را به یکدیگر پیوست داده و بعد، جمشید برآبادی شهر و نواحی افزوده.» (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۳).

درباره بنای شهر اصفهان حافظ ابونعیم اصفهانی مورخ سده چهارم، بنای اصفهان را به جی بن زارده اصفهانی نسبت داده و به همین دلیل شهر به نام وی خوانده شد. (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۲۷) مافروخی ضمن تکرار همین روایت، نام بانی را جی بن زارده اصفهانی ثبت کرده است. (مافروخی، ۱۳۸۵: ۳۹) ابونعیم همچنین درباره جی می‌نویسد «شهر جی مسکونی نبود بلکه به‌منزله پناهگاه و قلعه مردم جی به‌شمار می‌رود و مردم آن در شهر قه مسکن داشتند تا اینکه اسلام ظهور کرد و اعراب شهر قه را خراب کرده‌اند و باقی‌مانده مردم قه به شهر جی نقل مکان نموده‌اند بنابراین اولین دسته‌ای که در جی سکونت گزیدند ساکنین قه بودند ... بعدها یعنی پس از اینکه ساکنین قه به آنجا آمدند خانه‌های دیگری نیز بنا شد.» (حافظ ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۰). اما گزارش ابن‌حوقل

فضا یهودیان به چیزی دست یافتند که می‌توان آن را «نظریه اقتصادی خارج از وطن» نامید. این نظریه بر سه اصل استوار بود: کار، رقابت و همسبستگی. هر یهودی برای گذران زندگی با مطابقت دادن خود با مبانی اخلاقی تعیین‌شده براساس شریعت بایستی کار کند و همچنین باید رقابت آزاد را - که امکان توانگر شدن را می‌دهد - با جان و دل بپذیرد. ولی چون در این کار خطر شکست وجود دارد نیاز به همسبستگی نیز خودنمایی می‌کند(آتالی: ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰؛ همچنین بنگرید به ذیلابی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵).

از نتایج دیگر این تبعید، پیدایش نوعی سیالیت و جریان مستمر مهاجرت در میان یهودیان بود. مراکز قدرت سیاسی و تجاری همواره مورد توجه یهودیان و محل تمرکز و استقرار آن‌ها قرار گرفت. چنان‌که در ایران، شهرها و مراکز مهم تجاری بیشترین جمعیت یهودی را داشته‌اند و در دوره‌های انتقال قدرت و تغییر مراکز سیاسی و یا تغییر مسیر راه‌های بازرگانی و شکل‌گیری مراکز جدید اقتصادی، یهودیان به‌سرعت در مراکز جدید مستقر می‌شدند (برای آگاهی از مراکز مهم تجاری یهودیان در سده‌های نخستین اسلامی بنگرید به: مسکویه، ۱۳۶۶: ۱/ ۲۵۷، ۳۴۹ - ۳۵۰؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸-۹۷). بنابراین همواره شهرهای مهم در مسیر راه‌های بازرگانی در ایران پرشمارترین تجمعات یهودی را شاهد بوده‌اند؛ هرچند سکونتگاه‌های اقلیت یهودی تنها به این نواحی محدود نشده است. میل یهودیان به اختلاط و امتزاج نداشتن با جوامع غیریهودی و لزوم اجرای احکام دینی که با زندگی روزانه ارتباط نزدیک داشت و نیز محدودیت‌هایی که از سوی اکثریت مسلمان جامعه‌ی ایران پس از اسلام و به‌طور کلی اقوام و ادیان غیریهودی متوجه اقلیت یهودی بوده، در دوره‌های متأخر سبب تشکیل یهودی‌نشین‌ها به‌صورت محله‌هایی متمایز و جدا از بافت یکپارچه‌ی شهری در برخی شهرهای ایران شد. البته این مسئله عمومیت نداشته است و در برخی از شهرها مسلمانان و یهودیان در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند(ذیلابی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۶).

تشکیل و پیدایش یهودیه‌ها در سرزمین‌های ایران تاریخی را نیز می‌بایست در همین چارچوب تحلیل نمود. در واقع «یهودیه» نامی است که به‌دلیل اسکان یهودیان در برخی شهرهای سرزمین‌های ایران تاریخی، قبل و بعد از اسلام، به این شهرها اطلاق شده است. اما در منابع جغرافیایی اسلامی نام یهودیه عمدتاً بر دو جا نهاده شده است. یکی یهودیه اصفهان و دیگری یهودیه جوزجانان. برای نمونه مقدسی تصریح دارد که «الیهودیه قصبه اصفهان و قصبه جوزجان» (مقدسی، ۱۹۰۶: ۲۶) و اصطخری نیز بر وجود هر دو یهودیه اصفهان و جوزجانان تأکید

۱. یا نبوکد نصر (Nebuchadnezzar)

خانه‌هایی ساختند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۰). همچنین زکریای قزوینی نیز بنای یهودیه را به داستان اسارت یهودیان در زمان بخت‌نصر مرتبط می‌سازد «بخت‌نصر یهود بیت‌المقدس را اسیر کرد تا به اصفهان آورد، یهودی در آن مکان ساکن شدند» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۵۶) یاقوت نیز ضمن تأکید بر وجود دو یهودیه اصفهان و جوزجانان، تصریح می‌کند که یهودیان هر دو مکان در زمان بخت‌نصر در آنجا مسکن گزیدند (یاقوت حموی، ۴۵۴/۵-۴۵۳). مقدسی نیز همین روایت را گزارش می‌کند (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۸) ظاهراً از عهد بسیار قدیم خود یهودیان اصفهان نیز بر این باور بودند که اسرای یهودی که بخت‌نصر آن‌ها را از بیت‌المقدس به اسارت برده بود، بعد از بخت‌نصر، از بابل به ایران مهاجرت کرده و اصفهان را بنا کرده‌اند. موسی خورنی، مورخ ارمنی سده هفتم میلادی نیز این گزارش را تأیید می‌کند. (حبیب لوی، ۱۳۳۹: ۷۰/۳).

اما گزارش‌های دیگری بنای یهودیه را در زمان ساسانیان می‌دانند. برخی منابع متأخرتر از مهم‌ترین وقایع اصفهان در زمان ساسانیان را مهاجرت یهودیان به اصفهان می‌دانند که در ایام پادشاهی یزدگرد اول، پسر شاپور سوم و به درخواست شیشین دخت یا شوشیدخت زن یهودی یزدگرد (۳۹۹ تا ۴۲۱ م) رخ می‌دهد. به روایت ابونعیم، یزدگرد پسر شاپور، یهودیان را به خواهش زن خود شوشیدخت به آنجا برد. (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۱). یزدگرد شوشیدخت دختر ریش گالوتا^۱ (رأس الجالوت) رئیس یهودیان بابل را به زنی گرفته بود. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۱۹۷).

به روایت متن فارسی میانه موسوم به شهرستان‌های ایران‌شهر همسر یزدگرد اول و فرزند رأس الجالوت یهودیان، برای یاری هم‌کیشان خود از پادشاه درخواست می‌کند که یهودیان را در اصفهان سکونت دهد. یزدگرد اول هم که با پیروان ادیان غیرزردشتی به نیکی رفتار می‌کرد و از نظر دینی پادشاهی متساهل و متسامح بود خواهش همسرش را پذیرفت و بدین ترتیب، یهودیان بسیاری به اصفهان کوچیدند و در نزدیکی شهر جی رحل اقامت افکندند (شهرستان‌های ایران‌شهر، ۱۳۸۸: ۴۱).

گذشته از گزارش‌های فوق، از قدیمی‌ترین مدارک باستان‌شناسی که دال بر قدمت ورود قوم یهود به منطقه اصفهان است زیارتگاه استراخاتون واقع در پیر بکران است که در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان واقع شده است. این زیارتگاه دارای قبرستان نسبتاً بزرگی است که یهودیان اصفهان برای دفن اموات خود از آن استفاده می‌کنند. سنگ‌نوشته‌ای که در زیارتگاه استراخاتون

تاریخی‌تر و دقیق‌تر است؛ می‌نویسد «اصفهان دو بخش است یکی موسوم به یهودیه و دیگری موسوم به شهرستان و میان آن‌ها دو میل فاصله است... و یهودیه بزرگ‌تر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است و بناهای آن‌ها از گل است. هر دو بخش فراخ نعمت‌تر و پهناورتر از همه شهرهای جبال و نیز از حیث مال و سکنه و بازرگانی و رفت‌وآمد مسافران و نعمت و برکت و میوه و محصول برترند. اصفهان بارکده فارس و جبال و خراسان و خوزستان است و در آنجا شتران بسیاری برای محمولات هست و از این حیث بر شهرهای دیگر جبال برتری دارد.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵-۱۰۶).

اصطخری نیز همین توصیفات را گزارش می‌کند «اصفهان دو شهر است: یهودیه و دیگر مدینه، ... و یهودیه از مدینه و همدان بزرگ‌تر است و مدینه کمتر از نیمه یهودیه است» (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۰۶). اصطخری تأکید می‌کند هیچ‌یک از شهرهای جبال «در خصب و نزهت و عرصه فراخ و پهن و مال و اهل بسیارتر از یهودیه نیست» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵-۱۰۶).

ظاهراً ساختار معماری و شهری اصفهان، جی و یهودیه مناسب و مستحکم بوده است. چرا که بنا بر گزارش تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان مسلمان در سده‌های نخست هجری بارو، برج‌ها و دروازه‌های احداث شده در زمان ساسانیان تا مدت‌ها پس از اسلام به همان صورت باقی‌مانده و تغییر چندانی نکرده بود. تنها تغییر عمده‌ای که تا زمان ابن رسته روی داده بود، افزودن دروازه دیگری بر باروی شهر بود که برخلاف دروازه‌های پیشین بر پایه محاسبات نجومی بنا نشده بود، و از سایر دروازه‌ها به زاینده‌رود نزدیک‌تر و زیباترین دروازه جی در زمان ابن رسته بود (ابن رسته، ۱۳۷۶: ۱۹۰).

اما اختصاصاً درباره یهودیه باید گفت در دوران پیش از اسلام و پس از آن، یهودیه اقامتگاهی در اطراف شهر جی بود که یهودیان اصفهان، در آنجا سکونت داشتند. قدمت این مرکز مهاجرنشین چندان روشن نیست. در منابع مختلف، تاریخ‌های متفاوتی برای مهاجرت یهودیان به اصفهان و اسکان آنان در یهودیه ذکر کرده‌اند. اغلب تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان مسلمان بر این باورند که یهودیان در زمان بخت‌نصر به اصفهان مهاجرت کردند. به گزارش ابن حوقل یهودیان پس از آنکه در زمان بخت‌نصر وارد ایران شدند «به هنگام فرار از سرزمین خودشان مقداری از آب و خاک شهر خود را همراه داشتند تا بدین وسیله جایی را که شبیه ناحیه و خاک خودشان باشد برای سکونت انتخاب کنند و در محلی که امروز به یهودیه معروف است فرود آمدند و جایی را موسوم به اشکهان برگزیدند. اشکهان واژه یهودی است به معنی «در اینجا می‌نشینم» ... در آنجا

فتوحات اعراب همان معامله‌ای که با اهالی اصفهان و جی کردند، همان معامله نیز با ساکنان یهودیه شد.

در هر صورت اصفهان، جی و یهودیه در اواخر دوران ساسانی از مراکز مهم تجاری، کشاورزی و نظامی ایران بود و این اهمیت تا حدی است که یزدگرد سوم به هنگام گریز در برابر اعراب، وارد اصفهان شد، اما شرایط موجود را به نفع خویش ندید. اعراب نیز، پس از گشودن مرزهای بیرونی ایران، فتح اصفهان را نخستین هدف خویش در درون فلات مرکزی برگزیدند و این شهر پراهمیت را با صلح تصرف کردند. اصفهان به‌عنوان شهری برخوردار، دارای موقعیت جغرافیایی مناسب و مرکز توجه طبقات اجتماعی ممتاز در دوره ساسانی، تحت تأثیر عوامل مختلفی فتح شد که در این میان سلوک مصلحت‌جویانه اقشار شهری در برخورد مسالمت‌آمیز با فاتحان سهم بسزایی داشته است. مورخان تاریخ فتح اصفهان را بین سال‌های ۱۹ تا ۲۴ هجق نوشته‌اند. ابونعیم آن را سال ۲۰ هج (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۳۵) و طبری و ابن اثیر در سال ۲۱ هج (طبری، ۱۳۵۲: ۱۹۶/۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۲۴۶) بیان کرده‌اند ولی با توجه به قول مشهور که پیکار نهاوند در سال ۲۱ هجق بوده است پس فتح اصفهان نیز در همین سال یا اندکی پس از آن اتفاق افتاده است. ولی بعد از شورش مردم، خلیفه دوم ابوموسی اشعری را به تسخیر مجدد اصفهان مأمور کرد و اعراب برای بار دوم در سال ۲۳ هجق شهر را فتح کردند.

طبری خود می‌گوید عمر پس از مشاهده آنکه یزدگرد هرساله جنگی تازه تدارک می‌بیند و سپاهی نو مجهز می‌کند، برای آنکه شاه ساسانی را یک‌باره از خیال حمله و مقاومت منصرف کند، دسته‌هایی از اعراب کوفه و بصره را به تسخیر شهرهای ایران گماشت و برای هریک از سرداران بصره و کوفه لوابی بست و او را به فتح ولایتی گماشت. از میان آنها گروهی از اهل بصره را به اشغال «فارس و کرمان و اصفهان» فرستاد و بعضی از کوفیان را به‌سوی «اصفهان و آذربایجان و ری» روانه کرد (طبری، ۱۳۵۲: ۱۹۶/۵). در هر صورت در جریان فتح، اصفهان بعد از چند برخورد مختصر، با شرایط صلح تسلیم می‌شود و مردم اصفهان ذمی^۲ می‌شوند «مگر سی تن از مردم اصفهان ... که رهسپار کرمان شدند» (طبری، ۱۳۵۲: ۱۹۷/۵-۱۹۹). بر مبنای متن صلح‌نامه «اهالی اصفهان و حومه آن تا زمانی که جزیه پرداخت می‌نمایند، در امان‌اند و باید در هر سال به اندازه توانایی خود، از طرف افراد بالغ به والی خود جزیه پرداخت نمایند» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۸۰: ۲۵۶).

کشف و بر دیوار آن نصب شده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۵۵۲)، دارای متن عبری بوده و تاریخ بیست و ششم ماه آب سال ۳۸۹۰ عبری، در آن ثبت شده است. با توجه به تاریخ کتیبه، قدمت آن به مدت‌ها قبل از ماجرای تبعید یهودیان توسط بخت‌نصر می‌رسد. بنابراین البته از آنجا که اغلب مورخین معتقدند قدمت ورود یهود به ایران ۱۵۵۲ سال پیش بوده، این امکان وجود دارد که در صحت تاریخ سنگ‌نوشته تردید کنیم. (شفقی، ۱۳۸۱: ۵۵۳).

با این وصف، ضمن اینکه گزارش مربوط به مهاجرت یهودیان در زمان بخت‌نصر تواتر بیشتری دارد، اما همچنان زمان دقیق آغاز سکونت یهودیان در یهودیه مبهم است. به احتمال زیاد، یهودیه تا پیش از اسلام و استیلای اعراب بر اصفهان، شهر به حساب نمی‌آمده و از توابع شهر جی بوده است. ابن فقیه هم هنگامی که از پیدایش و بنیان یهودیه سخن می‌گوید، اشاره‌ای به شهر بودن آن نمی‌کند و پس از توصیف یهودیه تأکید می‌کند که خود شهر، جی نام دارد. (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۷)

بنابراین درباره اصفهان، جی (شهرستان) و یهودیه، می‌توان این تحلیل هنر فر را پذیرفت که قسمت قدیم شهر اصفهان گاه نامیده می‌شد که همان «گبای» استرابو است (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۱۸) و پس از چندی نام شهرستان به خود گرفت و پس از آن عده‌ای یهودی به فاصله دو میلی آن استقرار یافتند. محل سکونت و عمارت اینان قسمت غربی شمال آن بود. اینکه یهودیان از چه وقت به این محل منتقل شده‌اند و سبب انتقال آن‌ها چه بوده و نیز سایر خصوصیات این مسأله، در بین محققان اختلافاتی وجود دارد ولی به علت اینکه نام یهودیه نیز در منابع موجود بر این قسمت شهر اطلاق شده و همه مورخین نیز اجماً آن را نقل کرده‌اند در اصل سکونت این قوم در این ناحیه تردیدی نمی‌توان یافت. (هنر فر، ۱۳۴۶: ۶۹)

فتح اصفهان، جی و یهودیه به دست اعراب مسلمان

تأثیری که فتوحات اسلامی بر یهودیه نهاد را نمی‌توان از فتح اصفهان و جی جدا نمود. از آن‌رو که اعراب بر مبنای احکام قرآنی و فقهی، غالباً برخوردی یکسان با یهودیان و زرتشتیان و مسیحیان داشتند، از نظر فقهی تفاوتی میان ساکنان یهودیه (یهودیان) و ساکنان جی و اصفهان (زرتشتیان) قائل نبودند و به حکم قرآن همه را اهل کتاب قلمداد می‌نمودند. بنابراین در جریان

۱. براساس آیه ۱۷ سوره حج، (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ)

۲. اهل ذمه به غیرمسلمان مقیم در سرزمین‌های اسلامی اطلاق می‌گردد که به موجب قرارداد می‌بایست به حکومت اسلامی مالیات جزیه پرداخت نمایند.

احکام الهی (سوره مائده: ۵۹-۶۰) و دشمنی با مسلمانان (سوره مائده: ۸۲) و غیره می‌داند. با توجه به خصلت‌های یهودیان در مال‌اندوزی و رباخواری و توجه به کارهایی نظیر شراب‌فروشی، همواره در سرزمین‌های اسلامی مورد تمسخر و تحقیر بودند و محدودیت‌های اعمال شده از سوی اکثریت مسلمانان جامعه باعث شد آنان در بیشتر شهرهای اسلامی - البته نه همه شهرها - در محلات مخصوصی به سر برند. همچنین این موقعیت یهودیان از دو جهت به‌عنوان شهروندان درجه دوم تثبیت شد؛ نخست از جنبه قومی که غیرعرب (عجم) بودند و دوم از جنبه مذهب که آیینی غیر از اسلام (یهودیت) داشتند. همین مسأله سبب شد جداافتادگی یهودیه از بافت اصلی جی و اصفهان در عصر اسلامی تثبیت شود.

به‌رغم همه این مسائل و محدودیت‌ها، در دوره اسلامی و به‌ویژه پس از اتمام عصر فتوحات، یهودیه اصفهان روندی رو به توسعه را در پیش گرفت. در جریان فتوحات یهودیه به مرکز اقتصادی و فرهنگی تبدیل شد و شبکه‌های بازرگانی یهود در اصفهان به منابع جدید تجاری دسترسی پیدا کردند (آتالی: ۱۳۹۱: ۱۵۶). به گزارش ابونعیم اصفهانی در سال ۱۵۰ ایوب بن زیاد، عامل خراج و فرمانده سپاه منصور عباسی، در یهودیه بازاری بنا کرد و در عمران و آبادانی آن کوشید و در نتیجه‌ی مساعی او اوضاع اقتصادی یهودیه رونق یافت. ایوب بن زیاد در قریه خشینان منزل کرد و کاخی در کنار نهر «فرسان» بنا نهاد و روبروی آن مسجدی با محراب ساخت که تا زمان حیات ابونعیم (قرن چهارم) پابرجا بود و هم‌منبری در آن مسجد گذارد و «در ناحیت یهودیه، در محلی معروف به کوی گاه‌فروشان، بازاری در چند ردیف برای فروشندگان و بازرگانان پی افکند». در روزگار فرمانروایی او خانه‌های قریه خشینان به خانه‌های یهودیه پیوست. ابونعیم همچنین تصریح می‌کند «یهودیه را ... کوی یهود می‌خواندند و آن در صحرای قریه یوان جای داشت. یک حد آن به روستای یوان و حد دیگر به آن به روستای خُرجان و سنبلان و حد سوم به دو دیه کماان و اشکهان و حد چهارم به دو دیه جَروان و خُشینان می‌رسید. هفتصد جریب وسعت داشت که یهود در آن ساکن بودند» (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۲۹). نخستین مسجد بزرگ اصفهان نیز که بعدها به مسجد جامع تبدیل شد، در یهودیه و در محله خشینان احداث شده بود و از زمان احداث در دوره خلافت علی (ع)، همگام با توسعه یهودیه، توسعه می‌یافت (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

مافروخی نیز تلاش‌های ایوب بن زیاد زیاد عامل اصفهان در زمان منصور عباسی در جهت توسعه و آبادی را گزارش کرده است. به روایت مافروخی اصفهان، جی و یهودیه تا پیش از امارت

از این گزارش‌ها استنباط می‌شود که یهودیه نیز به صلح فتح و یهودیان با پذیرش متن صلح‌نامه، ذمی شدند. برمبنای گزارش بلاذری، عبدالله بن بدیل، پس از مختصری نبرد، جی را فتح کرد و احنف بن قیس را که در سپاه او بود، به یهودیه فرستاد و اهالی یهودیه همان‌طور که مردم جی صلح کرده بودند و با همان شرایط، تن به صلح دادند (بلاذری، ۱۳۷۶: ۴۴۰-۴۴۳).

گذار به عصر اسلامی

با توجه به نگاه کلی احکام اسلامی به اهل کتاب در کلیت سرزمین‌های اسلامی، بدیهی است تحولات یهودیه اصفهان پس از ورود اسلام به این منطقه، تابعی از وضعیت و جایگاه یهودیان در تمامی جهان اسلام بود. به دیگر سخن یهودیان ساکن یهودیه اصفهان در همان شرایط و موقعیتی قرار گرفتند که همه یهودیان دیگر در سرزمین‌های مفتوح، قرار گرفتند. یهودیان یهودیه همانند همه اهل کتاب دیگر، با پذیرش و امضای معاهده صلح با فاتحان مسلمان، در زمره اهل ذمه درآمدند. در اصطلاح فقهی ذمه قرارداد دائمی میان حاکم اسلامی و کافران اهل کتاب است که با پذیرفتن احکام اسلامی دارالاسلام و التزام به مقررات خاص و پرداخت جزیه، تحت حمایت حاکمیت اسلامی قرار می‌گرفتند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳: ۱۸/مدخل ذمه). برمبنای این قرارداد اهل ذمه از سایر مسلمانان متمایز می‌شدند و موظف به رعایت شروطی از جمله بدگویی نکردن از پیامبر اسلام، یاری نرساندن به دشمنان اسلام (اهل الحرب) و گمراه نکردن مسلمانان بودند. در طول زمان شروط دیگر نیز نظیر پوشیدن لباس مخصوص، سوار نشدن بر اسب و حمل نکردن اسلحه، به صدا در نیوردن ناقوس و تلاوت نکردن کتب مقدس با صدای بلند به شروط نخستین اضافه شد. همچنین آنان باید حکومت عرب را به رسمیت بشناسند و مالیاتی را که قبلاً می‌پرداختند، بپردازند (سی دنت، ۱۳۵۸: ۱۰۱). طبق این معاهده و همه معاهدات صلح دیگر اهل کتاب در ابتدا به هیچ‌وجه مجبور به قبول اسلام نمی‌شدند، چنانکه یهودیان بی‌شک در قلمرو اسلام راحت‌تر و مرفه‌تر بودند تا سایر قلمروها (زرین کوب، ۱۳۵۹: ۱۲).

گرچه بسیاری از این شروط میان اهل کتاب مشترک بود، اما یهودیان با توجه به ویژگی‌های خاص جوامع یهودی، از یک جنبه از دیگر گروه‌های اهل کتاب متمایز بودند. در واقع به نظر می‌رسد قرآن نسبت به سایر اهل کتاب، دید چندان مثبتی نسبت به این قوم ندارد و آن‌ها را دارای اوصافی مانند رباخواری، (سوره نساء: ۱۶۰-۱۶۱) زشتی رفتار (سوره مائده: ۷۷-۸۰) و سرپیچی از

مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام و از مراکز اصلی ایالت جبال گردید. به این ترتیب تغییر در مرکزیت اصفهان ارتباط مستقیمی با ورود امرای آل بویه و به قدرت رسیدن آنها در اصفهان دارد. (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۲) بنابر تحلیل شجاعی اصفهانی فهم این مسأله منوط به بررسی روابط میان نخبگان و بزرگان اصفهان با خلفای عباسی و امرای دیلمی و بررسی جایگاه امرای آل بویه در میان نخبگان اصفهان دارد. در واقع پس از تثبیت قدرت خلفای عباسی شواهد زیادی از کشمکش بزرگان و نخبگان اصفهان، که با توجه به مرکزیت جی در آن سکونت داشتند، وجود دارد. این بزرگان که در به قدرت رسیدن عباسیان نقش مهمی داشتند، با نفوذ خود مانع افزایش مالیات و حتی باعث کاهش تدریجی آن شدند. اما پس از به قدرت رسیدن امرای آل بویه در اوایل سده چهارم، آنان برخلاف فرمانروایان محلی با دریافت مالیات مضاعف و ارسال آن به دستگاه خلافت، موفق به جلب رضایت و حمایت کامل خلفا شدند و بدین‌سان توانستند به تدریج قدرت و نفوذ بزرگان و نخبگان محلی را در اصفهان تضعیف کنند. امرای آل بویه حتی بر خلافت آل زیار که در جی سکونت داشتند، از همان ابتدا تصمیم به اقامت در یهودیه گرفتند و دروازه‌ها و دیوار شهر را احداث کردند. یکی از دلایلی که به نظر می‌رسد در این انتخاب نقش داشته حضور پرننگ بزرگان و نخبگان اصفهان در شهر اول اصفهان یعنی جی بوده است، چرا که شهرستان و مسجد جامع آن در اختیار بزرگان و اشراف اصفهان بوده و خلفا نمی‌توانستند بر خلاف جامعه یهودیه اراده خود را به‌طور کامل بر آن تحمیل کنند. به همین دلیل برای جامع یهودیه اهمیت بیشتری قائل بودند. به این ترتیب امرای آل بویه با حمایت خلیفه در یهودیه، که خلافت نفوذ بیشتری در آن داشت، مستقر شدند. از این تاریخ به بعد نام یهودیه به عنوان شهر اول مطرح می‌شود. (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲)

اهمیت یهودیه از این دوره به بعد به‌گونه‌ای بود که به گزارش بنیامین تطیلی سیاح مشهور یهودی که در اواسط سده ششم هجری از اصفهان دیدن کرده بود، رئیس جامعه یهودیان در بغداد (رأس الجالوت)، ریاست کل جوامع یهودی در ایران و «حق قضاوت بر احکام تمام رابی‌های مملکت ایران» را به سرشالم رئیس جامعه یهودیان یهودیه (رابی اعظم یهودیه) واگذار کرده بود (بنیامین تطیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). همچنین بنیامین جمعیت یهودیه را در همین زمان در حدود ۱۵۰۰۰ نفر تخمین می‌زند که نسبت به جمعیت دیگر جوامع یهودی در ایران رقم قابل توجهی است و نشان از رونق این شهر دارد (بنیامین تطیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

ایوب بن زیاد «دیه‌هایی بود پراکنده، و شهرهای خراب و کنده، و اطلال و باطل و رسوم مدروس»، که با اقدامات بن زیاد رو به آبادانی رفت (مافروخی، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۴). از گزارش ابونعیم و مافروخی استنباط می‌شود یهودیه و جی در جریان فتوحات و تا حدود یک سده پس از آن در وضعیت نامناسب و نابسامانی قرار داشته که در زمان منصور روند توسعه آن آغاز گردید. این روند در زمان مأمون که اوضاع و احوال یهودیان رو به بهبودی بود، ادامه یافت (برای گزارشی در خصوص سیاست متساهل مذهبی مأمون بنگرید به دینوری، ۱۳۶۴: ۴۴۳-۴۴۲). اما در دوره متوکل، او با اهل ذمه از روی تعصب و دشمنی رفتار کرد و قوانین و احکام منسوخ و متروک را علیه آن‌ها تجدید کرد. او دستور داد آنان «عباهای عسلی بپوشند و زنار ببندند و بر زین‌های چوبین بنشینند... و هر کس از آنها کلاه بر سر می‌نهد دو نوار بر آنها آویزد که به رنگ کلاه مسلمانان نباشد ... بگفت تا معابد نوین آنان را ویران کنند و از منزلشان ده یک بگیرند» (طبری، ۱۳۵۲: ۶۰۱۹/۱۴). به همین ترتیب یهودیان این زمان، مجبور شدند بر چهارچوب درب خانه‌هایشان صورت شیطان را نقش کنند، به اجبار جزیه را بپردازند، لباس زردی که علامت ذلت و خواری بود، بپوشند، سوار الاغ شوند نه اسب، موظف بودند ده یک ارزش ملکی را که معامله کرده به خلیفه بپردازند و از حق استخدام در دوایر دولتی به‌کلی محروم گردیدند، و فرزندانشان از تحصیل محروم شدند. متوکل دو سال بعد از شروع خلافت، کنیسه‌ها را به مسجد تبدیل کرد. البته بعد از متوکل، شرایط یهودیان مجدداً اندکی بهبود یافت. (طبری، ۱۳۵۲: ۶۰۱۹/۱۴؛ برای بحث بیشتر بنگرید به یآوری نگین، ۱۳۸۰: ۵۷-۶۷)

اما به‌رغم جایگاه مهم یهودیه در دو سده نخست اسلامی، تا حدود سده چهارم هجری، جی که در منابع اسلامی با نام مدینه یا شهرستان خوانده می‌شد، همچنان به‌عنوان شهر نخست از وسعت و اهمیت بیشتری برخوردار بود. اما از حدود سده چهارم تحولاتی در عراق عرب و عجم رخ داد که این وضعیت را دگرگون ساخت. در حقیقت اگر شهر جی از قبل اسلام تا سده چهارم مرکز خوره^۱ اصفهان و از مهم‌مهمترین شهرهای ایران ساسانی و جهان اسلام به شمار می‌رفت، اما در سده چهارم با حضور امرای آل بویه و تصمیم آنها برای انتقال مرکز قدرت از جی به یهودیه و در پی آن احداث دروازه‌ها و سپس دیوار شهر یهودیه، از اهمیت جی کاسته و در عوض شهر یهودیه تبدیل به مرکز خوره اصفهان و یکی از

۱. خوره یا کوره، برابر است با ولایت یا استان.

توسعه یهودیه در سده‌های بعدی روشن‌تر می‌شود. همانگونه که گفته شد این توسعه ارتباط مستقیمی با ورود امرای آل بویه و به قدرت رسیدن آنها در اصفهان داشت. در واقع در سده چهارم با حضور امرای آل بویه و تصمیم آنها برای انتقال مرکز قدرت از جی به یهودیه و در پی آن احداث دروازه‌ها و سپس دیوار شهر یهودیه، از اهمیت جی کاسته و در عوض شهر یهودیه تبدیل به مرکز ولایت اصفهان و حتی یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام و از مراکز اصلی ایالت جبال گردید.

البته اشتها به تجارت اختصاص به یهودیان یهودیه نداشت، و همه یهودیان در سرزمین‌های اسلامی را شامل می‌شد. برای نمونه ابن خردادبه، درباره‌ی تجارت یهود معروف به راذانیه (محلی نزدیک اهواز) و کالاها و مسیرهای تجاری آنها روایت می‌کند: اینان یهودیانی هستند که «به زبان‌های عربی، فارسی، رومی، فرنگی، اندلسی و صقلی سخن می‌گویند و از مشرق تا مغرب و از مغرب تا مشرق از راه دریا و خشکی سفر می‌کنند» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۴۶-۱۴۵) در واقع با توجه به مشخصه همسبستگی جوامع یهودی و نیز مقایسه با سایر گزارش‌های تاریخی در این زمینه، می‌توان گفت این تصویر کلی از تسلط یهودیان بر فعالیت‌های تجاری را می‌توان بر یهودیان یهودیه نیز تعمیم داد.

گذشته از ماهیت تجاری یهودیه، این شهر از نظر ساختار و بافت شهری نیز واجد ویژگی‌های خاص و متمایزی بود. این تمایز نیز بیشتر به سبب جنبه دفاعی آن بود. به‌طور معمول بیشتر خانه‌های قدیمی یهودیان در محله جوباره از طریق راهروهای زیرزمینی به هم ارتباط داشتند، مخصوصاً منازل دو طرف کوچه‌ها، از این نوع راه‌ها بیشتر داشته و ساکنین آن‌ها در موارد ضروری به منازل دلخواه رفت‌وآمد کرده و علیه مهاجمین متحد می‌شدند. سطح حیاط خانه‌ها در اغلب موارد یک تا سه متر گودتر از کوچه‌ها است. پایین بودن کف حیاط باعث می‌شده که مهاجمین سواره‌نظام نتوانند به داخل منازل وارد شوند. حیاط‌ها اغلب دارای سنگفرش قلوه‌ای بود و باغچه در وسط آن قرار داشت که بیشتر محل جمع‌آوری زباله بود تا گل‌کاری، در موقع ساخت مسکن سعی می‌شد تا حیاط به‌صورت دراز و مستطیلی شکل درآید تا امکان نخ و ابریشم‌تایی در آن عملی گردد. یهودیان اتاق‌های خانه را در دو یا چهار طرف حیاط بنا کرده، بیشتر از گل و خشت برای ساخت آنها استفاده می‌کردند. (شفقی، ۱۳۸۱: ۴۶۰-۴۶۶)

همچنین از خصوصیات بارز منازل یهودیان، داشتن اتاق‌های زیاد بود. علت آن هم این بود که یهودیان به‌صورت دسته‌جمعی با یکدیگر زندگی می‌کردند. این زندگی دسته‌جمعی دو عامل داشت:

بدین‌سان از سده‌ی چهارم هجری، یهودیه با رشدی سریع‌تر، بر جی برتری یافت و از نظر کشاورزی و تجارت به شهری بزرگ، آبادان و پررونق تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که به‌طور کامل جی تحت‌الشعاع قرار گرفت و حتی در مقطعی بر کل اصفهان اطلاق می‌شد. گزارش ابوالفدا در تقویم البلدان به روشنی این روند را نشان می‌دهد جی «نام قدیم اصفهان است. نخست اصفهان را جی می‌نامیدند، سپس شهرستان گفتندش و بیشتر آن ویران شد ولی یهودیه همچنان روی به آبادانی نهاد تا به صورت شهر بزرگ اصفهان درآمد ... پس از چندی جی ویران شد و محله یهودیه آبادان گردید. آنگاه مسلمانان با ایشان درآمیختند و آن را وسعت دادند و نام یهودیه همچنان بر سر آن باقی ماند» (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۷۳) با این‌حال به تدریج کثرت کاربرد واژه‌ی «اصبهان» و سپس «اصفهان» سرانجام استعمال نام یهودیه را تحت‌الشعاع قرار داد. آثار متعدد معماری و تمدن اسلامی موجود در یهودیه، از جمله مسجد باذانه (بناشده در ۱۵۰ق)، مسجد جامع قدیم یهودیه، مناره‌های دارالضیافه و مناره‌ی ساریان و چهل‌دختران، بقعه بابا قاسم و بقعه‌ی صاحب بن عباد، (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۳۰) محصول همین اتفاق است.

گذشته از این اینها، به‌رغم همه محدودیت‌های اعمال شده، یهودیان یهودیه مانند بسیاری از جوامع یهودی دیگر از جهت تجارت و بازرگانی نیز اشتها داشتند. مقدسی تصریح می‌کند که یهودیه اصفهان دارای «تجار کبار و صنّاع حدّاق» است. (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۸) توصیف جیهانی در اشکال العالم که در نیمه دوم سده چهارم نوشته‌شده، از اصفهان و یهودیه گویای این روند رو توسعه است «اصفهان دو شهر است یکی را یهودیه خوانند و یکی را مدینه؛ و میان هر دو مسافت نیم‌فرسنگ باشد. یهودیه بزرگ است از همدان به بنای هر دو از گل است و گذرگاه فارس و جبال و خراسان و خوزستان و فراخ‌تر شهرهاست. دیه‌های بزرگ و مردم بسیار توانگر و مال دارد. در هیچ ولایت شتران بارکش چندان نباشد که در اصفهان؛ و از آنجا جامه‌های خوب از عتابی و منقش و دیگر جامه‌های ابریشمی و پنبه به همه جای‌ها می‌برند و بدان‌ها زعفران هست؛ و میوه‌ها چندان است که به همه عراق می‌برند و در عراق شهری بزرگ‌تر از اصفهان نیست.» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۵-۱۴۱)

اگر این وضعیت یهودیه را با گزارش ابونعیم از وضعیت یهودیه مدت کوتاهی پس از فتوحات اسلامی که براساس آن یهودیان یهودیه «به کارهای کثیف خود مانند حجامت، دباغی، درخت‌شویی و قصابی مشغول بودند» (ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۲۹) مقایسه کنیم، میزان

فقهی، به‌ویژه از سده چهارم به بعد و از زمانی که امرای آل بویه مرکز قدرت را از جی به این شهر منتقل ساختند، به شکل روزافزونی رو به توسعه نهاد به نحوی که حتی جامعه میزبان خود یعنی جی را تحت‌الشعاع قرار داد. این توسعه البته همراه بود با توسعه و بالندگی شهر اصفهان. در سده‌های نخستین اسلامی، یهودیان به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه بزرگ اصفهان، در کنار سایر همشهریان خود و عمدتاً با صلح، به حیات تکاملی خویش ادامه دادند.

منابع و مآخذ

آتالی، ژاک، (۱۳۹۱)، یهودیان، جهان و پول، تاریخ اقتصادی قوم یهود، ترجمه، علی اصغر سرحدی، تهران: امیرکبیر

ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۶۵)، اخبار ایران از کامل ابن اثیر، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دنیای کتاب

ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، (۱۳۸۰)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی: انتشارات علمی و فرهنگی

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، ایران در صوره الارض، ج ۱، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر

ابن خردادبه، عبید الله بن عبد الله، (۱۳۷۱)، مسالک و ممالک، مترجم سعید خاکرند، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل

ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۷۶)، الاعلاق النفیسه، ترجمه، حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر

ابن فقیه، احمد بن محمد، (۱۳۴۹)، ترجمه مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران

ابوالفداء، (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

استرابو، (۱۳۸۲)، جغرافیای استرابو (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات افشار

اصطخری، ابواسحق، (۱۳۹۷)، ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات محمود افشار

اصفهانی، ابونعیم، (۱۳۷۷)، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسایی، تهران: سروش

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۴)، مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

بلادری، احمد بن یحیی، (۱۳۷۶)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره

بنیامین تطیلی، رابی، (۱۳۹۳)، سفرنامه، مندرج در سه سفرنامه، ترجمه و تحقیق حسن جوادی و ویلم فلور، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار

جابری انصاری، میرزاحسن خان، (۱۳۲۱)، تاریخ اصفهان و ری، اصفهان: عمادزاده

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸)، اشکال عالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد: به نشر

یکی محدودیت‌های یهودیان در ادوار مختلف تاریخ که حق خرید منازل جدید را نداشتند و یا اینکه مسلمانان نیز مایل به فروش منازل خویش به یهودیان نبوده و از طرفی ضعف قدرت مالی آنان در گذشته، ایجاب می‌کرد که این گروه نتوانند در منازل مستقل زندگی کنند. ضمناً اجتماع چند خانواده در یک واحد مسکونی مقاومت آن‌ها را در مقابل افراد مهاجم بیشتر می‌کرده است. (شیرانی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۹).

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه در باب تحولات مرتبط با گذار یهودیه اصفهان از عصر باستان به دوره اسلامی گفته شد، اکنون می‌توان با اطمینان بیشتری به پرسش اصلی تحقیق پاسخ گفت؛ اینکه فتح یهودیه توسط اعراب مسلمان و ورود اسلام به این منطقه چه تأثیر مهمی بر حیات یهودیه داشت؟ در واقع جدای از اینکه دقیقاً یهودیان در چه زمانی و در پی چه عللی وارد سرزمین‌های ایران تاریخی شدند، در ورود و اسکان آنان در مناطق مختلف این سرزمین تردیدی نمی‌توان روا داشت. تأسیس و احداث یهودیه‌ها روشن‌ترین دلیل بر این امر است. با این حال به نظر می‌رسد مهم‌ترین و پایدارترین یهودیه‌ها، یهودیه اصفهان باشد؛ از آن رو که بعدها و در قرون متأخرتر، نام یهودیه به یهودیه اصفهان اختصاص یافت. در حقیقت این اهمیت و پایداری به نحوی بود که در آستانه عصر فتوحات اسلامی، یهودیان یهودیه اصفهان، قومی بیگانه به نظر نمی‌رسیدند و دیگر به شهروندانی ایرانی مبدل شده بودند. با این حال، آن تأثیری را که ورود اسلام بر همه وجوه زندگی ایرانیان زردتشتی، از دین و سیاست گرفته تا اقتصاد و فرهنگ و حتی درآمیختگی نژاد گذاشت، بر حیات اجتماعی و مذهبی یهودیان نهاد. این امر عمدتاً به دلیل ساختار و بافت همسپته، مستقل و مستحکم درونی زندگی یهودیان در یهودیه بود که آنها را به‌صورت جامعه‌ای مستقل و متمایز از دیگران جلوه می‌داد. در واقع پیوندها و علقه‌های مستحکم درونی میان قوم یهود و تلاش آنها به‌منظور حفظ استقلال و جدایی آشکار از اقوام دیگر، حصار بلند میان آنها و جامعه‌ی اطرافشان کشیده بود. این حصار در عصر فتوحات نیز همچنان کارکرد خود را داشت و اجازه نداد یهودیان دست‌کم تا چند سده پس از عصر فتوحات، همانند اکثریت مطلق زرتشتیان در جامعه اسلامی متسحیل شوند.

بنابراین اسلامی شدن ایران و گذار یهودیه از دوره باستان به عصر اسلامی نه تنها مانعی بر سر توسعه و ترقی ایجاد نکرد، بلکه یهودیه به‌رغم همه محدودیت‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و

دینوری، احمد بن داوود، (۱۳۶۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی

ذیلایی، نگار، (۱۳۹۰)، «تمرکز جمعیتی یهودیان در شهرهای ایران؛ از عصر سلجوقی تا حمله مغول»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول، شماره اول

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۵)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر

سی‌دنت، دانیل، (۱۳۵۸)، جزیه در اسلام، ترجمه دکتر محمد علی موحد، تهران: خوارزمی

شجاعی اصفهانی، علی، (۱۳۹۳)، «مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی و جایجایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۱

شفقی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپ دوم

شهرستان‌های ایران شهر، (۱۳۸۸)، به کوشش تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس

شیرانی، اکبر، (۱۳۸۱)، «یهودیان اصفهان»، افق بینا، شماره ۲۱

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۲)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، نشر الکترونیک، ۱۳۹۲

قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر

کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب

لسترنج، گای، (۱۳۷۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی

لوی، حبیب، (۱۳۳۹)، تاریخ یهود ایران، جلد ۳، تهران: کتابفروشی بروخیم

مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، (۱۳۸۵)، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد آوری، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل

مسکویه رازی، ابوعلی احمد بن محمد، (۱۳۶۶)، تجارب الامم، تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران: سروش

مقدسی، شمس‌الدین ابی عبدالله، (۱۹۰۶)، احسن التقاسیم و معرفه الاقالیم، بیروت: دار صادر

هنر فر، لطف الله، (۱۳۴۶)، اصفهان، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا

یاقوت حموی، شهاب‌الدین، (۱۳۹۷-۱۹۷۷م)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر

یاوری، نگین، (۱۳۸۰)، «تأثیر متقابل اسلام و یهودیت» در: فرزندان استر به کوشش هومن سرشار، ترجمه مهرناز نصریه، تهران: نشر کارنگ

Rios, M., & Adiv, N. (2010). Geographies of Diaspora: A Review. [S.L]. Davis, CA: UC Davis Center for Regional Change

Virinder S. Karla, Riminder Kaur & Hohn Hutnyk. (2005). Diaspora & Hybridity. London: Sage Publication Ltd

دینوری، احمد بن داوود، (۱۳۶۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی

ذیلایی، نگار، (۱۳۹۰)، «تمرکز جمعیتی یهودیان در شهرهای ایران؛ از عصر سلجوقی تا حمله مغول»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول، شماره اول

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۵)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر

سی‌دنت، دانیل، (۱۳۵۸)، جزیه در اسلام، ترجمه دکتر محمد علی موحد، تهران: خوارزمی

شجاعی اصفهانی، علی، (۱۳۹۳)، «مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی و جایجایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۱

شفقی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپ دوم

شهرستان‌های ایران شهر، (۱۳۸۸)، به کوشش تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس

شیرانی، اکبر، (۱۳۸۱)، «یهودیان اصفهان»، افق بینا، شماره ۲۱

طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۲)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، نشر الکترونیک، ۱۳۹۲

قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر

کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب